

ص ۱۰۳۶-۱۰۳۹). آثار او عبارت است از:

دیوان او، که به گفته فخرالزمانی قزوینی (همان ج) نزدیک به شش هزار بیت، از جمله شامل قصایدی در نعت و ستایش پیغمبر اسلام (ص) است. نسخه‌های دیوان او در این کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود: یکی در کتابخانه دانشگاه پنجاب پاکستان، به خط نستعلیق، مورخ قرن یازدهم ق، و دیگری در کتابخانه شخصی عبدالحمین بیات، به خط نستعلیق محمدفاضل، در حدود ۲۳۰۰ بیت، که قصاید، ساقی‌نامه و رباعیات او را دربر دارد (منزوی، ج ۳، ص ۲۵۲۴؛ آقابزرگ تهرانی، همان جا).

منابع: آزاد بلگرامی، غلامعلی، مآثر الکرام، به کوشش عبدالله‌خان و مولوی عبدالحق، لاهور، ۱۹۱۱م؛ آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة، بیروت، ۱۳۶۲ش؛ اسکندریگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۷۷ش؛ بهادر، صدیق حسن، شمع انجمن، به کوشش محمدکاظم کهدویی، یزد، ۱۳۸۶ش؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۷۸ش؛ عبدالباقی نهندی، مآثر رحیمی، به کوشش عبدالحمین نوایی، تهران، ۱۳۸۱ش؛ فخرالزمانی قزوینی، ملاعبدالنسی، تذکره میخانه، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۴۰ش؛ گلچین معانی، احمد، کاروان هند، تهران، ۱۳۶۹ش؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ واله داستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعراء، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، ۱۳۸۴ش.

ندا زادگان میاردا

مِرْصَادُ الْعِبَاد، کتابی در مراحل سلوک عرفانی از

نجم‌الدین رازی (متوفی ۶۵۴ق). نام کامل این اثر «مرصادالعباد من المسبذ الی المعاد» است که اصلی‌ترین واژه آن، یعنی «مرصاد»، برگرفته از آیه ۱۴ سوره فجر «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» و به معنی راهی است که در آن نگهبان باشد. نجم‌الدین ابوبکر عبدالله‌بن محمدبن شهاورین انوشروان رازی (معروف به «دایه») این واژه را در جای دیگر نیز به همین معنی به کار برده است: «به سر جاده صراط مستقیم و مرصاد قویم باز آید» (نجم‌الدین رازی، ص ۱۳). بنابراین، معنی نام کتاب عبارت است از: «راه ایمن و نگهبانی‌شده بندگان از آغاز تا انجام».

مرصادالعباد که نجم‌الدین رازی آن را، بنابر «پنج رکن اسلام»، در پنج باب و، بنابر «خصوصیات اربعین و عدد چهل در تربیت انسان»، در چهل فصل تدوین کرده (همان، ص ۲۹) کتابی است «در بیان سلوک راه دین و وصول به عالم یقین و تربیت نفس انسانی و معرفت صفات ربّانی» (همان، ص ۴) که هدف از نگارش آن، «وقوف مرید صادق و طالب عاشق» است بر اینکه «او کیست و از کجا آمده است و چون آمده است و به چه کار آمده است و کجا خواهد رفت و چون خواهد رفت و مقصد و مقصود او چیست» (همان، ص ۳۰). باب اول «دیباچه

کتاب» است که به تبرک آیه ۷ سوره واقعه («و کُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً») سه فصل دارد (همان، ص ۹) و مؤلف به ترتیب در آنها به «فایده نهادن کتاب در سخن ارباب طریقت و بیان سلوک»، «سبب نهادن کتاب خاصه به پارسی» و «نسق و نهج کتاب» پرداخته است (همان، ص ۴).

نجم‌الدین رازی «سبب نهادن این کتاب» را به زبان فارسی التماس «جمعی طالبان محقق و مریدان صادق» می‌داند که «مجموعه‌ای به پارسی» از او طلب می‌کردند که «قلیل الحجم کثیر المعنی» باشد و «از ابتدا و انتهای آفرینش و بدو سلوک و نهایت سیر و مقصد و مقصود عاشق و معشوق خبر دهد»، زیرا اغلب «کتب مطول و مختصر» که در طریقت ساخته‌اند، «به زبان تازی است و پارسی‌زبانان را از آن زیادت فایده‌ای نیست» (همان، ص ۱۵). به همین سبب او از «عبارات مغلق و الفاظ غریب و مستحکم تکلفی» احتراز کرده است (همان، ص ۳۴).

باب دوم «در بیان مبدأ موجودات» و شرح «هدایت فطرت ارواح و اشباح و ملک و ملکوت» است (همان، ص ۲۸) که به «تبرک و تیمن» نمازهای پنجگانه به پنج فصل تقسیم شده است. باب سوم «در بیان معاش خلق» و «تربیت انسان و سیر و سلوک او در اطوار بشریت و انوار روحانیت و تبدیل اخلاق و تغییر صفات و احوال مختلف او در اثنای روش و احتیاج به اسباب تربیت» است (همان، ص ۲۸-۲۹). این باب به تبرک آیه ۶۵ سوره انفال («إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَأْتُوا مَأْتِينَ») مشتمل بر بیست فصل و مفصل‌ترین باب کتاب و، در اصل، دربرگیرنده «اصول عقاید عرفانی» است (ریاحی، «مقدمه مصحح»، ص ۵۶).

باب چهارم «در بیان معاد نفوس سعدا و اشقیاء» است که به «مراجعت و معاودت نفوس» آنان و «مرجع و معاد هر صنف» اختصاص یافته (نجم‌الدین رازی، ص ۲۹) و به تبرک آیه ۲۶ سوره بقره («فَخَذَ آزِيمَةً مِنَ الطَّيْرِ») شامل چهار فصل است (همان، ص ۳۴۱).

باب پنجم «در بیان سلوک طوایف مختلف» از پادشاهان و وزیران تا پیشه‌وران و برزگران است و وظایف اخلاقی و دینی هر طبقه را دربرمی‌گیرد. مؤلف هدف از نگارش این باب را «محظوظ و بهره‌مند» شدن «هر طایفه‌ای از فواید کتاب» دانسته است (همان، ص ۲۹). باب پنجم که به تبرک آیه ۱۴۳ سوره انعام و آیه ۶ سوره زمر («تَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ») به هشت فصل منقسم شده است، از نظر اشتمال بر جزئیات وضع اجتماعی عصر مؤلف، اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از مهم‌ترین مدارک و اسناد در باب تاریخ تمدن ایران به‌شمار می‌آید (ریاحی، ص ۶۶). به گفته نجم‌الدین رازی (ص ۲۸)، شالوده کتاب همان باهای دوم،

سوم و چهارم است، یعنی مبدأ «بدایت فطرت»، معاش «مدت ایام حیات» و معاد «حالت قطع تعلق روح از قالب به اضطراب یا از صفات قالب به اختیار»، و دو باب دیگر (اول و پنجم) تنها افزوده‌هایی است به این «سه اصل» مهم تا فایده آنها بیشتر شود. روش نجم‌الدین در تدوین مطالب و شرح و تفصیل آنها بدین‌گونه است که در آغاز هر فصل از هر باب، «آیتی از قرآن و حدیثی از پیغامبر مناسب آن فصل» می‌آورد تا «تمسک به کتاب و سنت» کرده باشد (همان، ص ۲۹). سپس سخن مؤلف با تعبیر «بدانک» [= بدان که] آغاز می‌شود. این آیه و حدیث، که در ابتدای هر فصل آمده، در سراسر آن فصل مورد توجه است و گویی هدف اصلی مؤلف شرح و تفسیر و تأویل همان آیه و حدیث است. آن‌گاه عقاید عرفانی با تمثیلات خاص بیان می‌شود و در اواخر فصل، اغلب «سخن رنگ شعر می‌گیرد و موج و آهنگی طرب‌انگیز می‌یابد» (ریاحی، همان، ص ۵۶).

مرصادالعباد از نظر ساختار و ترتیب مطالب نمونه‌ای کم‌نظیر و شایان توجه است، زیرا هر فصل و مطلبی در آن درست و منطقی به جای خود آمده است و همه آنها در مجموعه‌ای به هم پیوسته «سرگذشت آدمی را از آغاز تا انجام» دربر دارد. با این حال هریک از بابها و فصلها حاوی مطالبی کامل و مستقل است که جدا از سایر بابها و فصلها نیز قابل طرح و استفاده است. نجم‌الدین رازی در تدوین مطالب مرصادالعباد از کتابها و مآخذ پیشین بهره برده است. او هرچند، به شیوه مستداول آن روزگار، اغلب از منابع خود یاد نمی‌کند، با این‌همه به بهره‌گیری از تصانیف مجدالدین بغدادی (نجم‌الدین رازی، ص ۶۶)، کتاب «عجایب‌القلب» از محمد غزالی (همان، ص ۱۹۴)، که بخشی از احیاء علوم‌الدین است، و قوت‌القلوب ابوطالب مکی (همان، ص ۴۹۳) اشاره کرده است. همچنین از مقایسه مطالب کتاب با دیگر آثار عرفانی پیش از او برمی‌آید که نجم‌الدین رازی بدون ذکر مآخذ از کشف‌المحجوب هجویری، کشف‌الاسرار میبیدی، سوانح احمد غزالی، حالات و سخنان ابوسعید و تحفه‌البرره نیز استفاده کرده است.

مرصادالعباد از وجوه مختلف مهم است: ۱. وجه ادبی. این کتاب هرچند در قرن هفتم ق و مقارن با حمله مغول نوشته شده است، اما چون مؤلف مسودات آن را سالها پیش فراهم آورده، اثر آن به شیوه کتب سده ششم ق نزدیک‌تر است و چندان با متون سده هفتم ق که اغلب به شیوه فنی و متکلف نوشته شده است، مناسبتی ندارد. البته شیوه نویسنده در سراسر متن یکدست نیست، «گاهی نثری است مرسل و گاهی نثری است دارای قرینه‌سازی و موازنه و سجعهای پی‌درپی و مکرر» (بهار، ج ۳، ص ۲۱) که آن را «هنر بزرگ مؤلف» دانسته‌اند (ریاحی، همان،

ص ۷۱-۷۲)، زیرا نشان می‌دهد که نجم‌الدین به خوبی دریافته است که هر مطلب و معنایی را به چه شیوه و زبانی باید بگوید. این کتاب «در منتهای فصاحت» (نفسی، ص ۱۴۱) و «به لحاظ حسن تقریر مطالب عرفانی و شیوایی نثر» (شفیعی کدکنی، «مقدمه مصحح»، ص ۱۸) دارای اهمیت بسیار است، تا آنجا که آن را «سحر مطلق» (فروزانفر، ص ۱۲۵) و مؤلفش را «منشی تمام‌عیاری» خوانده‌اند که به خوبی مطالب عرفانی را با «زینتها و آرایشهای منشیانه» درآمیخته است (صفا، ج ۳، ص ۱۱۹۶). در کتاب ۴۵۵ بیت فارسی آمده که از آن میان ۱۷۵ بیت به تصریح نسخ کهن کتاب، سروده خود مؤلف است، از این رو مرصادالعباد برای شناخت و بررسی شعر نجم‌الدین رازی منبعی قابل توجه است. بقیه اشعار کتاب از جمله از سنایی، مجدالدین بغدادی، فردوسی، خاقانی، انوری، ابوالفرج رونی، رودکی، انیس‌الدین اخیسکتی و ادیب صابر است (نک: ریاحی، همان، ص ۶۱). البته گوینده شماری از ابیات نیز شناخته نیست. در این میان تعداد ابیات نقل شده از سنایی نسبت به دیگر شاعران بسیار بیشتر است و به خوبی سیطره اشعار و اندیشه‌های او را بر نویسندگان آثار صوفیه نشان می‌دهد. نجم‌الدین رازی اشعاری را نیز از کتب صوفیه پیش از خود، مانند سوانح، نامه‌ها و تمهیدات عین‌القضات و کشف‌الاسرار میبیدی آورده است. ذکر دو رباعی از خیام با اشاره به نام او، مرصادالعباد را در شمار مهم‌ترین و کهن‌ترین مآخذ رباعیات خیام جای داده است، زیرا پس از رساله‌التنبیه، اثر فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ق)، این کتاب کهن‌ترین منبعی است که شعری از خیام را به نام او ضبط کرده است (میرافضلی، ص ۲۷). افزون بر این، یک دوبیتی به زبان رازی در این کتاب آمده است (نجم‌الدین رازی، ص ۹۵) که از کهن‌ترین یادگاران گویش قدیم ری است و از نظر زبان‌شناسی اهمیت بسزایی دارد.

۲. وجه عرفانی. مرصادالعباد از حیث تنوع مطالب عرفانی کم‌نظیر است و کم‌وبیش شامل همه نکات و دقایقی است که در طول سه چهار قرن در میان عرفا و صوفیان ایرانی پرورده شده است. با آنکه تدوین نهایی این اثر در دیار روم بوده، مؤلف به هیچ روی از مکتب عرفانی آن مرز و بوم متأثر نشده است و، از این لحاظ، کتاب نجم‌الدین برای شناخت مکتب عرفانی و تصوّف خاص ایران زمین و مشایخ فارسی‌زبان اهمیت ویژه‌ای دارد (پورجوادی، ص ۵۹). علاوه بر این، توجیه و تبیین بسیاری از اصطلاحات عرفانی، که در بخشهای مختلف کتاب آمده، از نظر سیر تحوّل اصطلاحات عرفانی در سنت صوفیانه شایان توجه است (ریاحی، همان، ص ۶۵). این کتاب اخبار و سخنان تنی چند از عارفان را آورده است که برخی از آنها

کم‌وبیش در نوشته‌ها و سروده‌های خود از آن استفاده کنند. از جمله مولوی در *فیه مافیة* (ریاحی، همان، ص ۷۱)، حافظ در *دیوان* (همو، گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، ص ۲۲۳-۲۲۶، ۲۳۵-۳۲۱)، نسفی در *کشف الحقائق*، کاشفی سبزواری در *فتوت نامه سلطانی*، نجم‌الدین محمود اصفهانی در *منهاج الطالبین*، امیر حسینی هروی در *طرب المجالس* (ریاحی، همان، ص ۷۳)، حافظ حسین کربلایی تبریزی در *روضات الجنان و جنات الجنان*، مؤذن خراسانی در *تحفة العباسیة*، عبدالصمد همدانی در *بحر المعارف* (الگار، «مقدمه»، ص ۲۰، حاشیه ۶۱) و محمدجعفر کبودرآهنگی در *مرآت الحق* (الگار، همان‌جا؛ ذکاوتی قراگزلو، ص ۲۴) و *مراحل السالکین* (ریاحی، همان، ص ۶۹، ۱۲۶) از مرصادالعباد متأثر بوده‌اند. این کتاب در هند طرفداران بی‌شماری داشته. تا آنجا که ابن عمر محرابی در *حجة الهند*، که کتابی است در دفاع از اسلام در برابر دین هندویی، عباراتی طولانی از مرصادالعباد نقل کرده است (شمیل، ص ۲۵۷؛ ترجمه ص ۴۲۵). وجود نسخه‌ای کهن از این کتاب در چین که عنوان آن، روی برگ نخست، به شیوه‌ای خاص و تحت تأثیر خط و سبک خوشنویسی چینی کتابت شده است (تن‌هوی جوی، ص ۵۴۷)، نفوذ و گسترش آن را در سرزمینهای دوردست شرق ممالک اسلامی نشان می‌دهد. از مرصادالعباد دو تحریر مختلف وجود دارد که اولی را نجم‌الدین در رمضان سال ۶۱۸ق در قیصریه به پایان برده است (نجم‌الدین رازی، ص ۲۲، حاشیه ۲). البته او پیش‌تر، هنگامی که در عراق و خراسان به سر می‌برده، تصمیم به تألیف کتاب گرفته و مسوده‌های آن را فراهم کرده است، ولی به سبب سفرهای پیاپی و «تعویقات و آفات فتنه‌های گوناگون» فراغت و فرصت اتمام آن را نمی‌یافته است (نجم‌الدین رازی، ص ۱۶). این تحریر «نسخه درویشان» نامیده شده، زیرا نجم‌الدین آن را در اجابت درخواست «اعزة طلاب» و برای آنان نوشته و کتاب را تحفة درویشان کرده است (ریاحی، همان، ص ۵۵-۵۹).

نجم‌الدین پس از دیدار با شیخ شهاب‌الدین سهروردی (متوفی ۶۳۲ق) در سال ۶۱۸ق و پس از تشویق او به ماندن در دیار روم و روی نهادن به درگاه علاء‌الدین کیقباد (نجم‌الدین رازی، ص ۲۳؛ ابن‌بی‌بی، ص ۲۲۳) بر آن می‌شود که تحریر دیگری از کتاب خود فراهم آورد و با وارد کردن نام سلطان سلجوقی روم، «ابن عروس غیبی را به زیور القاب همایون آن پادشاه... مزین و متحلی» گرداند (نجم‌الدین رازی، ص ۲۶) و بدین‌گونه «تحفة‌ای فراخور حال واردان حضرت ملوک» تدارک بیند (همان، ص ۲۴). از این رو تحریر دوم که در رجب سال ۶۲۰ق در شهر سیواس به پایان رسیده (همان، ص ۵۴۵)، به

برگرفته از کتب متقدمانی است که آثارشان به دست ما نرسیده است و از این جهت، گزارش او بسیار مغتنم است و برخی دیگر هم شامل اخباری است از دیده‌ها و شنیده‌های خود او و از این رو در هیچ منبع دیگری دیده نشده است (از این قبیل‌اند: احمد غزالی و امام یوسف همدانی (نجم‌الدین رازی، ص ۲۹۷)، شهاب‌الدین عمر سهروردی (همان، ص ۲۳)، شیخ محمد کوف (همان، ص ۱۰۹)، شیخ علی بونانی و خواجه ابوبکر شانیان قزوینی (همان، ص ۳۱۸)). اصرار نویسنده در همراه ساختن شریعت و طریقت از راه استوار کردن تصوف بر قرآن و حدیث و کوشش او در گسترش شعائر اسلامی و احکام شرعی از عواملی است که همواره کتاب را در شمار آثار ممتاز عرفانی جای داده است. استعاره‌های کلیدی و مرکزی نجم‌الدین رازی که در *مرصادالعباد*، و نیز دیگر آثارش، از طریق تکرار، زمینه سبک عرفانی او را تشکیل داده، «دل» و اطوار چندگانه آن (نک: همان، ص ۱۹۵-۱۹۷) یا «مدارج قلب» است (شفیعی کدکنی، زبان شعر در نثر صوفیه، ص ۵۶۲) که خود دغدغه اصلی و بنیاد اندیشه عرفانی او را نشان می‌دهد.

۳. وجه تاریخی - اجتماعی. مرصادالعباد از یک سو دربر دارنده آداب و رسوم صوفیان در سده‌های ششم و هفتم ق است و نکات مهم و تازه‌ای را از ساز و کار سلوک ایشان باز می‌نماید (مانند روابط شیخ و سالک (فصل نهم از باب سیم)، چگونگی ذکر گفتن (فصل دوازدهم از باب سیم)، آداب سماع (نجم‌الدین رازی، ص ۳۶۴ به بعد)، عرس صوفیان در وفات عزیزان و سماع به مناسبت آن (همان، ص ۳۶۴)، جامه ازرق داشتن مبتدیان صوفیه (همان، ص ۳۰۶، حاشیه ۹) و از سوی دیگر آگاهی‌های سودمندی از اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی و سیاسی زمان مؤلف به دست می‌دهد (مانند هراس عمومی از سیل بنیان‌کن مغول، ص ۱۶ به بعد)، فساد مردم و دستگاه‌های حکومتی و رواج رشوه (فصل سیم از باب پنجم)، طبقات مذکران و وضع آنان (همان، ص ۴۹۰ به بعد)) که در نوع خود کم‌نظیر است. از اینها گذشته بخشهایی از کتاب، به ویژه باب پنجم، به نوعی رساله‌ای درباره حکمت عملی است که البته دیدگاه و دریافت عرفانی مؤلف بر آن سایه انداخته است. او کوشیده است تا اندیشه سیاسی را با اندیشه عرفانی درآمیزد، اما این پیوند به تعبیر طباطبایی (ص ۱۸۸-۱۸۹)، اگر چه تداوم اندیشه سیاسی ایرانشهری را در اندیشه عرفانی در پی داشته، به سبب تضاد و تباین ذاتی، پیوندی متزلزل و نالاستوار است و راه به جایی نمی‌برد.

همه این ویژگیها سبب شده است که مرصادالعباد از همان آغاز مورد توجه دیگر نویسندگان و شاعران واقع شود و آنان

«نسخه شاهانه» شهرت یافته است (ریاحی، همان، ص ۵۹). نجم‌الدین علاوه بر نام علاء‌الدین کیقباد (نجم‌الدین رازی، ص ۲۶، ۳۰، ۵۴۵)، در فصل «سبب نهادن کتاب»، شرح دیدار خود با شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی را به کتاب اضافه کرده است (همان، ص ۲۳). آراستن سخن به صنایع لفظی و معنوی و اطناب در جملات از دیگر تغییراتی است که او در تحریر دوم کتاب خود اعمال کرده است. مطالب اضافه شده، اگرچه اغلب در جهت تکمیل مباحث است، تمایل مؤلف را مبنی بر تغییر فضای کلی اثر، از کتابی مناسب محیط خانقاه، به اثری درخور دربار پادشاه، نشان می‌دهد. همچنین او در تحریر دوم کوشیده است تا با تغییر در شیوه جمله‌بندی عبارات، «آن را به سیاق طبیعی زبان فارسی نزدیک‌تر گرداند و برای پادشاهی که زبان فارسی زبان اصلی و مادری او نیست»، کتاب را آسان‌تر و دلنشین‌تر سازد (ریاحی، همان، ص ۶۱). می‌توان گفت که تحریر نخست («نسخه درویشان») موجزتر است و زبانی روان، ساده و عاری از تکلفات و صنایع بدیعی دارد، اما در تحریر دوم («نسخه شاهانه») که مفصل‌تر است، با استفاده از شیوه‌های آرایش کلام و صرف وقت و فرصت بیشتر، صورتی مهذب‌تر و آراسته‌تر فراهم آمده تا کتاب لایق درگاه پادشاه باشد.

مرصادالعباد از بسدو تألیف در شمار مهم‌ترین و پرخواننده‌ترین متون صوفیه بوده است، از این‌رو نسخه‌های خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌های مختلف جهان وجود دارد (نک: منزوی، ج ۲، ص ۱۳۷۹-۱۳۸۲). تا آنجا که می‌دانیم قدیم‌ترین دستنویس شناخته شده از مرصادالعباد نسخه مورخ ۶۷۲ق است که در ارنجان کتابت شده و به شماره ۲۷۰۸ در کتابخانه شهید علی ترکیه نگهداری می‌شود (ششن، ص ۱۷۵). پس از آن نسخه غازی خسروبیگ در سرای یو است که در سال ۶۷۳ق کتابت شده است (افشار، ص ۹۷). این دو نسخه به ترتیب دوازده و یازده سال از کهن‌ترین دستنویسی که پیش از این شناخته و در تصحیح انتقادی مرصادالعباد از آن استفاده شده است، قدیم‌تر است.

نخستین چاپ کامل مرصادالعباد در سال ۱۳۱۲ق به کوشش عبدالعقار، معروف به نجم‌الدوله، و به خط نسخ محمدصادق بن محمدرضا تویسرکانی، به شیوه چاپ سنگی انتشار یافت. نجم‌الدوله در فراهم آوردن این چاپ ابتدا نسخه‌ای از تحریر نخست کتاب («نسخه درویشان») را اساس کار خود کرد، ولی در تصحیح ثانوی، نسخه‌ای از تحریر دوم («نسخه شاهانه») را به کار گرفت و اختلافات و اضافات مهم را

در حواشی نقل کرد. این امر سبب شد که چاپ او نسبتاً معتبر و علمی به‌شمار آید. دومین چاپ کامل مرصادالعباد به کوشش حسین‌الحسینی النعمه‌اللّهی، ملقب به شمس‌العرفا، و به دستگیری و همراهی سید عبدالحمیدخان نقیب‌زاده در تیرماه ۱۳۱۲ش (ربیع‌الاول ۱۳۵۲ق) در تهران به طبع رسید. مقایسه این دو چاپ نشان می‌دهد که شمس‌العرفا، چاپ نجم‌الدوله را اساس گرفته است و، به علت ناهماهنگی از وجود دو تحریر مختلف از کتاب، آنچه را نجم‌الدوله در تصحیح دوم خود در حاشیه نقل کرده بود، به متن برده و بدین‌گونه نسخه‌ای آشفته و مغشوش به دست داده است. چاپ شمس‌العرفا در سال ۱۳۳۷ش، با حروفچینی جدید و راهیابی اغلاط بی‌شمار مطبعی به آن، بار دیگر در تهران منتشر شد. سرانجام در سال ۱۳۵۲ش بهترین و معتبرترین چاپ انتقادی کتاب، به اهتمام محمدمامین ریاحی، به بازار عرضه شد که تاکنون بارها به طبع رسیده است. او در چاپ خود هشت نسخه (شامل چهار نسخه از تحریر اول و چهار نسخه از تحریر دوم) را به‌طور کامل با یکدیگر تطبیق داده که قدیم‌ترین آنها مورخ ۶۸۴ق است و به هنگام اشکال و ابهام از چند نسخه دیگر نیز بهره گرفته است (ریاحی، همان، ص ۱۱۸). گذشته از مقدمه مفصل و تعلیقات سودمند و فهرستهای متنوع، مزیت اصلی این چاپ آن است که مصحح اختلافات دو تحریر را به‌طور کامل در متن و حاشیه نقل کرده و بدین‌گونه هر دو تحریر کتاب را پیش چشم خواننده نهاده است. از آنجا که مرصادالعباد متنی درسی بوده، گزیده‌های فراوانی از آن تهیه شده است که مهم‌ترین و مشهورترین آنها را محمدمامین ریاحی (۱۳۶۱ش)، رضا انزاسی‌نژاد (۱۳۷۲ و ۱۳۷۹ش) و محمد مهدی ناصح (۱۳۷۳ش) فراهم آورده‌اند. این گزیده‌ها نیز بارها به چاپ رسیده است.

نفوذ و گسترش مرصادالعباد آن‌چنان زیاد بوده که دو قرن پس از تألیف، قاسم‌بن محمود قراحصاری آن را به ترکی ترجمه و با نام *إرشاد المرید الی المراد* به سلطان مراد دوم (حک: ۸۲۴-۸۴۸ق) اهدا کرده است (حاجی خلیفه، ج ۲، ستون ۱۶۵۵-۱۶۵۶). همچنین در سال ۱۹۸۲م حامد الگار^۱ آن را با عنوان *The Path of God's Bondsmen from Origin to Return* به انگلیسی ترجمه کرد. هرچند این ترجمه بعدها مورد نقد قرار گرفت (نک: اسپراکمن، ص ۶۶۲-۶۶۸؛ پورجوادی، ص ۵۹-۶۲)، ولی به‌طور کلی ترجمه‌ای قابل قبول به‌شمار می‌آید. دو دهه بعد، در سال ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م علی احمد اسماعیل کتاب را از روی چاپ ریاحی و با همه حواشی و پاورقیها، بدون اشاره

مَرموزاتِ اسدی در مَرموزاتِ داوودی. اثری
 منثور از ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور رازی اسدی، متخلص
 به «نجم» و معروف به «نجم دایه» (متوفی ۶۴۵ ق.م) نجم دایه این
 کتاب را در ارزنجان، به تقریب به سال ۶۲۱ ق.م به نام علاءالدین
 داوود بن بهرامشاه، تألیف کرده است (صفا، ج ۲/۳، ص ۱۱۹۵؛
 ریاحی، ص ۲۸، ۴۵؛ شفیعی کدکنی، ص ۲۲-۲۳) و نامی که بر
 کتاب نهاده است حکایت از همین مطلب دارد. (نجم رازی،
 مرموزات اسدی، ص ۳۵)، زیرا در آن به نسبت خود و نام
 ممدوح اشاره کرده و با واژه‌های «داوود» و «مزمور» ایهام و
 تناسبی با نام داوود پیامبر به وجود آورده است.
 کتاب مشتمل است بر مقدمه‌ای در شرح حمله مغول و بیان
 سختیهای زندگی نویسنده و مهاجرت به آسیای صغیر و ورود به
 دربار ممدوح و شکایت از احوال مردمان آن دیار و تقدیم کتاب
 و وجه تسمیه آن (همان، ص ۲۹-۳۶). بخشی از مقدمه شباهت
 دارد به مقدمه مرصادالعباد*، اثر دیگر نجم رازی. پس از آن،
 مطلب در ده مرموز جمع آمده است، بدین شرح: رموز اول در
 حکمت آفرینش جهان و انسان؛ رموز دوم در بیان مقامات
 معرفت و مراتب آن؛ رموز سوم در بیان شرح سلوک مقامات
 معرفت؛ رموز چهارم در سلوک ملوک و شرایط آن؛ رموز پنجم
 در آیین جهانداری و رعیت پروری؛ رموز ششم در نصیحت و
 مواعظ ملوک؛ مرموز هفتم در تواریخ ملوک از عهد آدم
 علیه السلام؛ مرموز هشتم در وعید ظالم و مدمت ظلم؛ مرموز نهم
 در کلمات حکما و حکایات ملوک؛ مرموز دهم در آمارات
 قیامت و فتنه‌های آخرالزمان (نجم رازی، همان، ص ۳۶).
 نویسنده در آغاز هر مرموز عباراتی منسوب به زبور داوود،
 خطاب به داوود شاه، نقل کرده است. هیچ یک از این منقولات
 عیناً در مزامیر تورات، یعنی زبور داوود، نیامده است، بلکه
 برخی از آنها به صورت احادیث قدسی در بعضی از منابع حدیث
 هست و بعضی نیز از نظر مفهوم به بعضی منقولات مزامیر نزدیک
 است و ظاهراً تعدادی از این نقلها بر ساخته خود اوست (شفیعی
 کدکنی، ص ۲۱). سپس آیات و احادیثی نقل کرده و مطالب خود
 را با شعر، بیشتر فارسی و گاه عربی، ممزوج کرده است.
 مرموزات اسدی از نظر موضوع در واقع مشتمل بر دو
 مبحث است. سه مرموز اول بحثی است عرفانی و مرموزهای
 پنجم تا نهم در سیاست مُدُن و آداب مملکت داری است، همراه با
 بعضی بحثهای تاریخی؛ و غلبه بحث اخیر را در مرموز هفتم باید
 دید. اما مرموز چهارم در حکم مخلصی است که مرموزهای پنجم
 تا نهم را به سه مرموز اول پیوند می‌دهد و آن بحثی است در باب
 سلوک پادشاهان که نویسنده تفصیل آن را در مرصادالعباد
 آورده است. مرموز دهم حسن مقطعی است بر کتاب که به

به نام مصحح، به عربی ترجمه و به نام خود منتشر کرد
 (هاشمی پور، ص ۲۸۸).

منابع: ابن‌بی‌بی، حسین، *الاورامر العلاتیة فی الامور العلاتیة*،
 به کوشش زاله متحدین، تهران، ۱۳۹۰ش؛ اسپراکمن، پال، «مرصادالعباد
 من المبدأ الی العباد»، ایران‌نامه، ش ۴، نیویورک، ۱۳۶۲ش؛ افشار، ایرج،
 «کهن‌ترین نسخه خطی مرصادالعباد»، بخارا، ش ۳۹ و ۴۰، تهران،
 ۱۳۸۲ش؛ انزایی نژاد، رضا، برگزیده مرصادالعباد، تهران، ۱۳۷۹ش؛
 هسبو، گزیده مرصادالعباد، تهران، ۱۳۷۲ش؛ بهار، مسجندتی،
 سبک‌شناسی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ پورجوادی، نصرالله، «ترجمه
 مرصادالعباد»، نشر دانش، ش ۸۸، تهران، ۱۳۶۲ش؛ تن‌هوی جوی،
 «بررسی نامه نسخه‌های خطی فارسی و عربی در چین»، کلک، ش ۸۵-۸۸،
 تهران، ۱۳۷۶ش؛ حاجی خلیفه، مصطفی‌بن عبدالله، *کشف‌الظنون عن
 اسامی‌الکتاب و الفنون*، (افست)، تهران، ۱۳۸۷ش / ۱۹۶۷م، ذکاوتی
 قراگزلو، علیرضا، «نظری به مرصادالعباد»، نشر دانش، ش ۳۸، تهران،
 ۱۳۶۵ش؛ ریاحی، محمدامین، «مقدمه مصحح»، نجم‌الدین رازی، همو،
 گلگشت در شعر و اندیشه حافظ، تهران، ۱۳۷۴ش؛ همو، برگزیده
 مرصادالعباد، تهران، ۱۳۶۱ش؛ ششن، رمضان، «برخی از نسخ خطی
 ناشناخته فارسی در کتابخانه‌های ترکیه» (قسمت سوم)، ترجمه توفیق
 سبحانی، تحقیقات اسلامی، س ۵، ش ۱ و ۲، تهران، ۱۳۶۹ش؛ شفیعی
 کدکنی، محمدرضا، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران، ۱۳۹۲ش؛ همو،
 «مقدمه»، نک: مرموزات اسدی در مرموزات داوودی؛ شبلی،
 آتم‌ماری، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران،
 ۱۳۷۴ش؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، ۱۳۵۲ش؛
 طباطبایی، جواد، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در
 ایران، تهران، ۱۳۸۲ش؛ فروزانفر، بدیع‌الزمان، زندگانی مولانا
 جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی، تهران، ۱۳۸۴ش؛
 منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۴۹ش؛
 میرافضلی، علی، رباعیات ختیم در منابع کهن، تهران، ۱۳۸۲ش؛
 ناصح، محمد مهدی، گزیده مرصادالعباد، تهران، ۱۳۷۲ش؛ نجم‌الدین
 رازی، مرصادالعباد، به کوشش محمدامین ریاحی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ همو،
 مرموزات اسدی در مرموزات داوودی، به کوشش محمدرضا شفیعی
 کدکنی، تهران، ۱۳۸۱ش؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و
 در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ هاشمی پور، مرتضی، «ماجرای سرقت
 ادبی: انتقال از مرصادالعباد»، بخارا، ش ۳۲، تهران، ۱۳۸۲ش؛

Algar, Hamid, «Introduction», *The Path of God's
 Bondsmen from Origin to Return*, New York, 1982;
 Schimmel, Annemarie, *Mystical Dimensions of Islam*,
 North Carolina, 1978.

سلمان ساکت

مَرَقَلْ نَک: تَرْفِیل

مَرَفُو، جِناس نَک: جِناس

مَرَفُوع نَک: رَفَع